چرا کتابداران و نه اساتید دانشگاه، باید در مورد کتابخانه تصمیم بگیرند؟

مقدمه مترجم:

مدیریت کتابخانه و تصمیم‌گیری درست درباره استفادهٔ بهینه از فضایی که در اختیار است، کاری است که نیاز به مدیری دارد که از پیشرفت سریع فناوری خبر دارد و می‌تواند از بین چند گزینه، بهترین را برای اجرا انتخاب کند. این موضوعی است که شاید از نظر دیگران خیلی ساده باشد، در صورتی که مدیر یک کتابخانه دانشگاهی، علاوه بر رؤسای دانشگاه، ظاهراً باید پاسخگوی نگاه سطحی اساتید به کتابخانه هم باشد. گزارش زیر، بیانگر این مطلب است.

چرا کتابداران و نه اساتید دانشگاه، باید در مورد کتابخانه تصمیم بگیرند؟

یکی از خوانندگان ما مقاله‌ای را تحت عنوان «جرم ظالمانهٔ تخریب کتاب‌ها» در دانشگاه کالیفرنیا – سانتاکروز[1] برای من ارسال کرد. در آن مقاله آمده بود که چگونه یک استاد ریاضی زمانی که تعداد ۸۰,۰۰۰ جلد کتاب از کتابخانه علوم و مهندسی جابه‌جا و یا حذف شده بود، به خشم آمده بود و در ادامه به خوبی نشان داده بود که چرا کتابداران و نه اساتید، باید مسئول کتابخانه‌ها باشند.

به واقع اگر اساتید مسئول کتابخانه‌ها بودند، هیچ کاری انجام نمی‌شد. آن‌ها معمولاً قادر به انتخاب‌های سخت در این زمینه نیستند، چرا که آن‌ها نمی‌توانند منافع خود را محدود کنند و درست در لحظاتی که باید تصمیمات منطقی بگیرند، احساسی عمل می‌کنند.

به این نوشتهٔ پر از احساس توجه کنید: «وقتی مادرم مُرد، صندلی همیشگی او در اتاق نشیمن تبدیل شد به یک صندلی قرمز مندرسی با پارگی‌ها و آثار سیگار در سرتاسر آنکه در زیر نور خورشید قرار داشت. طبقهٔ دوم کتابخانه هم مثل همان صندلی است، اما در حالی که اتاق او در بیمارستان پس از مرگش، پاک و تمیز شده، نور خورشید همچنان بر آن می‌تابد.»

بله یک فضای کتابخانه‌ای که از قفسه‌های کتاب به سالن مطالعهٔ دانشجویان تبدیل شده است، مانند همان صندلی است پس از مرگ مادرتان. اگر این قیاسی است که در ابتدا به ذهن شما می‌آید، باید گفت که بسیار خوب است که شما تصمیم گیرنده نیستید!

رویکرد احساسی این استاد دانشگاه نسبت به کتابخانه سابقه‌ای طولانی مدت دارد. «در سال ۱۹۹۰، زمانی که برای کار به دانشگاه کالیفرنیا- سانتاکروز وارد شدم، به کتابخانهٔ علوممان افتخار می‌کردم؛ اما از سال ۲۰۰۰ مجلات جدید دیگر نمایش داده نشدند و از سال ۲۰۱۰ دیگر سالن نشریاتی وجود نداشت و آن مکان تبدیل به سالن مطالعهٔ بزرگ‌تری شده بود؛ و ما دیگر نمی‌توانستیم مجلات جدید را مطالعه کنیم.»

این جملهٔ آخر تقریباً مهمل است! اما جملهٔ «ما نمی‌توانیم مجلات کاغذی را در کتابخانه ورق بزنیم، چرا که همه مجلات آنلاین هستند و از هر نقطه‌ای به وسیلهٔ رایانه و اینترنت قابل دسترسی‌اند.» به نظر خیلی کمتر ناراحت کننده است.

در اینجا باید عنوان کرد که اگر همه مجلات جدید آنلاین هستند، دقیقاً به چه دلیل باید سالن نشریات وجود داشته باشد؟ چه چیزی آنجا قرار دهیم؟ لپ‌تاپ‌های اختصاصی برای اساتیدی که متوجه نیستند چگونه به راحتی می‌توانند از خانه یا دفتر کار خود، مجلات جدید را مطالعه کنند؟

افسوس خوردن برای از بین رفتن طراحی‌های بی‌فایده، از بزرگ‌ترین اشتباهات حس نوستالژی است و آدم‌های نوستالژیک برای تصمیم‌گیری بدترین انتخاب هستند، چرا که آن‌ها نمی‌توانند از چیزی دست بکشند. آن‌ها ضد ماری کوندو[2] (نویسنده کتاب «تغییر زندگی از طریق جادوی مرتب‌سازی») هستند.

تنها دلیل برای اینکه این‌گونه افراد را مسئول کتابخانه‌ها کنید، این است که واقعاً دوست داشته باشید جملهٔ «اما ما همیشه کارها را همین‌طور انجام می‌دهیم» را چندین بار در روز بشنوید.

تمامی حقوق برای مجله کتابدار 2.0 محفوظ است. نقل مطالب مجله تنها با ذکر منبع و نام نویسنده مجاز است.

چیزی که مشخص است این است که این استاد موردنظر از وضع به وجود آمده بسیار خشمگین است، طوری که حتی قادر به شفافسازی حقایق نیست. ما گفته‌ایم که «تقریباً ۸۰,۰۰۰ جلد کتاب، با ارزشی بین ۲ تا ۶ میلیون دلار، از بین رفته‌اند و یا از دانشگاه به ساختمان‌هایی برای ذخیره‌سازی و نگه‌داری منتقل شده‌اند.»

به جز زمانی که ما در مورد کتاب‌های نایاب صحبت می‌کنیم، به هیچ وجه نمی‌توان پذیرفت که ۸۰,۰۰۰ جلد کتاب مورد استفاده در یک کتابخانه ارزشی بین ۲ تا ۶ میلیون دلار داشته باشند. آن‌ها احتمالاً حتی ۸۰,۰۰۰ دلار هم نمی‌ارزند. کتاب‌های قدیمی معمولاً در آمازون به ارزش یک پنی فروخته می‌شوند، بنابراین ممکن است آن‌ها بیش از ۸۰۰ دلار ارزش نداشته باشند.

همان‌طور که خود او نیز تصدیق می‌کند، او فهرستی از کتاب‌های حذف شده در اختیار ندارد، بنابراین دقیقاً نمی‌داند که چه کتاب‌هایی در آنجا وجود داشته است و اگر در این مورد اطلاعی ندارد، پس از میزان ارزش واقعی آن‌ها هم مطلع نیست؛ اما زمانی که ما نسبت به کتاب‌ها احساساتی می‌شویم، چیزهای کوچکی مانند حقایقی از این دست، می‌توانند به خشم تبدیل شوند.

ما هم نمی‌دانیم چه تعداد کتاب از بین رفته‌اند و یا صرفاً به محلی برای ذخیره‌سازی منتقل شده‌اند؛ و یا به بیان این استاد «انبارهایی در دور دست» منتقل شده‌اند، مثل تمام کتاب‌هایی که به تونس یا همچون جایی منتقل شدند. همه ما می‌دانیم که بیشتر کتاب‌ها در زیرزمین هستند و نصف آن‌ها نیز جابه‌جا شده‌اند یا در محل ذخیره‌سازی نگه‌داری می‌شوند و به راحتی قابل دسترسی‌اند.

مگر اینکه دانشگاه‌ها فضای بیشتری به کتابخانه اختصاص بدهند که این مسئله تقریباً هیچ وقت اتفاق نمی‌افتد، در نهایت کتاب‌ها باید به خارج از کتابخانه منتقل‌شوند. باید در نظر داشت که این خشم به خودی خود مرتکب اشتباه تاردیس [۳] در مورد فضای کتابخانه می‌شود. فضا محدود است اما چاپ کتاب‌ها این‌گونه نیست و یک جایی مجبور به تسلیم شدن در برابر این شرایط هستیم.

به نظر می‌رسد دلیل اصلی رنجش خاطر این استاد مسئلهٔ جابه‌جا شدن کتاب‌ها بوده است. «فضای سالن مطالعهٔ دانشگاه کالیفرنیا- سانتاکروز برای پذیرفتن ۶۰۰ دانشجوی اضافه شده، نسبت به پذیرش این تصمیم تحت فشار قرار گرفت.»

اما اگر ۶۰۰ دانشجوی جدید اضافه شده باشند، به‌راستی آن‌ها به جایی برای مطالعه نیاز دارند. دانشجویان نمی‌توانند در انبارهای خارج از دانشگاه مطالعه کنند؛ بنابراین اگر انتخابی بین دانشجویانی که نیاز به مکانی برای مطالعه دارند و کتاب‌هایی که می‌توان به راحتی به بیرون منتقل کرد یا در زیرزمین جای داد، چرا باید کتاب‌ها را انتخاب کرد؟

پاسخ ضمنی که به این پرسش می‌توان داد این است که کتاب‌ها را انتخاب کنید تا این استاد مجبور نشود به زیرزمین برود یا منتظر بماند تا از انبارها برایش کتاب بیاورند یا از طریق امانت بین کتابخانه‌ای نسخه‌هایی از کتاب‌هایی که آخرین نسخه آن‌ها از بین رفته است برایشان تهیه کنند. این استاد هنوز از اینکه از ۱۵ سال پیش تا به حال نشریات آنلاین شده‌اند، رنجیده خاطر است؛ و این چنین به نظر می‌رسد که او به هیچ وجه نمی‌تواند در این مورد تصمیم بگیرد.

او همچنین شیوهٔ انتخاب کتاب را دوست ندارد. «داده‌ها، تجزیه و تحلیل‌ها، الگوریتم‌های فراگیر، بدون حضور عنصر انسانی. اگر بر اساس اطلاعات کتابخانه، یک کتاب در ۵ سال گذشته استفاده نشده باشد، باید به لیست کتاب‌های وجینی اضافه شود.»

این کمی عجیب است که یک استاد ریاضی، درباره چیزی که از عنصر انسانی خالی است، شکایت می‌کند، اما باید گفت که واقعاً چه روش دیگری برای برخورد با حجم انبوهی از کتاب‌ها وجود دارد؟ آیا کتابداران باید همان شیوه‌ای که این استاد می‌پسندد را در پیش بگیرند؟ نه این‌طور نمی‌شود.

و ما هنوز نمی‌دانیم کدام کتاب‌ها وجین و کدام‌ها فقط جابه‌جا شده‌اند. در واقع فقط یک کتاب حذف شده و بقیه گفته‌ها در این مورد کاملاً از روی احساسات است زیرا آن کتاب‌ها یا در زیرزمین هستند و یا در انبارها نگه‌داری می‌شوند.

اما شاید طبق گفته‌های این استاد بخش بزرگی از خشمگین بودن او نسبت به این مسئلهٔ بر می‌گردد به اینکه «این کار، تقریباً بدون حضور اعضای هیئت علمی صورت گرفته است.» «تقریباً بدون حضور» به معنی این است که شاید برخی از

تمامی حقوق برای مجله کتابدار 2.0 محفوظ است. نقل مطالب مجله تنها با ذکر منبع و نام نویسنده مجاز است.

اعضای هیئت علمی حضور داشته‌اند، اما این عضو خاص، نه.

با وجود این واقعاً مهم نیست، چرا که هر بار هیئت علمی وارد موضوعات مربوط به کتابخانه می‌شوند، ورودی کار همیشه یکسان است. وقتی از آن‌ها خواسته می‌شود که بین الف و ب یکی را انتخاب کنند، انتخاب همیشگی آن‌ها عدم فعالیت و مقاومت در برابر هرگونه تغییر است. شاید این روش خوبی برای ادارهٔ یک دپارتمان ریاضی باشد، اما برای ادارهٔ یک کتابخانه، روش مناسبی نیست.

پانویس:
[۱]. California – Santa Cruz
[۲]. Marie Kondo
[۳]. TARDIS: Time And Relative Dimension In Space
تاردیس اتاقکی است که ظاهر آن شبیه به یک کیوسک تلفن است ولی از داخل، بیشتر شباهت به یک ماشین زمان دارد. این وسیله متعلق به دکتر، شخصیت اصلی سریالی به نام دکتر هو که با آن در زمان و فضا سفر می‌کند.

منبع:
این نوشته ترجمه مطلبی با این عنوان است: Why Librarians and Not Professors Make the Decisions

مترجم: معصومه سعادت

مشخصات استناددهی به این مقاله

نویسنده(ها):	معصومه سعادت
عنوان مقاله:	چرا کتابداران و نه اساتید دانشگاه، باید در مورد کتابخانه تصمیم بگیرند؟
عنوان مجله:	کتابدار ۲.۰ –(عنوان لاتین: i-Kitابdار 2.0)
دوره مجله(Vol):	۳
شماره مجله(Issue):	۶
سال(Year):	۱۳۹۶
شناسه دیجیتال(DOI):	
لینک کوتاه:	http://lib2mag.ir/9499

تمامی حقوق برای مجله کتابدار 2.0 محفوظ است. نقل مطالب مجله تنها با ذکر منبع و نام نویسنده مجاز است.